

بررسی عوامل موثر بر کیفیت روابط والدین و فرزندان در شهر دهدشت در سال ۱۳۹۱

محمود صادقیان^۱، اصغر محمدی^۲

^۱ دانشجوی مقطع دکتری جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل موثر بر کیفیت روابط والدین و فرزندان در شهر دهدشت در سال ۱۳۹۱ اجرا شده است. روش اجرای این پژوهش میدانی، پیمایشی بوده و در این پژوهش جامعه آماری ما کلیه نوجوانان دختر شهرستان دهدشت در سال ۱۳۹۱ می باشند. که براساس آمار گرفته شده از اداره آموزش و پرورش شهرستان دهدشت ۴۸۰۴ نفر می باشند. که از این جامعه آماری ۱۰۰ نفر را به طور تصادفی به عنوان نمونه انتخاب کردیم. ابزار سنجش پرسشنامه بوده و روش نمونه گیری تصادفی می باشد یافته ها نشان دادند میان سن فرد و چگونگی اقتدار در روابط میان نوجوانان و والدین رابطه وجود دارد. بین تعداد فرزندان در خانواده و چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.022 < 0.05$ و $r=-0.253$). میان وضعیت اقتصادی (درآمد و شغل والدین) و چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین رابطه وجود دارد. زیرا مقدار معناداری ۰/۰۳۴ میباشد و ضریب همبستگی مقدار ۰/۲۱۲ است که مقداری مثبت است. بین سطح تحصیلات والدین و میزان انتظار و توقع آنها از نوجوانان ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.048 < 0.05$ و $r=-0.198$). بین سطح تحصیلات والدین و میزان اعتماد آنها به نوجوانان ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.044 < 0.05$ و $r=-0.202$). بین سطح تحصیلات والدین و چگونگی کیفیت تبعیض جنسیتی در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.036 < 0.05$ و $r=-0.210$). بین اهلیت والدین و چگونگی کیفیت اقتدار در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.028 < 0.05$ و $r=-0.220$). بین سطح تحصیلات والدین و چگونگی کیفیت روش های پرورشی والدین در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.029 < 0.05$ و $r=-0.218$). بین توجه والدین به تفاوت های فردی و تربیت صحیح نوجوانان ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.035 < 0.05$ و $r=-0.211$). نتایج بدست آمده نشان داد که همه عوامل یاد شده بر کیفیت روابط والدین و فرزندان در شهر دهدشت در سال ۱۳۹۱ تاثیر داشته است.

واژه های کلیدی: کیفیت روابط والدین و فرزندان، تربیت، تحصیلات والدین، کیفیت اقتدار در خانواده، چگونگی کیفیت تبعیض جنسیتی، امکانات رفاهی، تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی.

مقدمه

اهمیت و نقش تربیتی والدین وقتی بیشتر احساس می شود که دانش آموزان به دلیل تأثیرات منفی خانواده مشکل یا مسئله عاطفی و روانی پیدا می کنند ولی والدین آگاه که بطور منطقی با فرزندان رفتار می کنند از تشدید این مسائل می کاهند. در امر تعلیم و تربیت پدر و مادر نمی توانند جای یکدیگر را بگیرند و والدین پایدارترین و مؤثرترین گروه اولیه هستند که در تکوین شخصیت نوجوان نقش مؤثری ایفا می کند، دلیل اصلی این تأثیرات نوع روابط و ماهیتی تعاملی است که بین اعضای خانواده برقرار می شود.

آثار تربیتی والدین بر فرزندان به اندازه ای عمیق است که به مسیر بعدی زندگی آنها جهت می دهد. دلیل اصلی تأثیرپذیری فرزندان از والدین الگو بودن آنها برای فرزندان است. در نظر فرزندان پدر و مادر مهمترین و زیباترین شخصیت و کاملترین انسانها به حساب می آیند و آنچه از والدین سر می زند مطلوبترین رفتار برای آنهاست. لذا فرزندان نسبت به پدر و مادر احساس تعلق و همبستگی می کنند و خود را نیز بخشی از شبکه والدین می دانند و افکارشان را با والدین در میان می گذارند و از تجربه تبادل نظر و فکر با والدین خود لذت می برند. پدر و مادر با رابطه ای گرم و صمیمی با فرزندان خود فضای خانه را مطبوع می سازند. با اینکه دنیای فرزندان با دنیای بزرگسالان متفاوت است ولی این تفاوت جنبه کیفی و کمی دارد. نوجوان در سایه ارتباط با والدین درس اخلاق، انضباط، احساس مسئولیت، انجام وظیفه عادات مفید و مضر، خرافات، امانتداری، شجاعت، ترس و... می آموزد. مسئولیت پدر و مادر در این مسیر سنگین می شود. از اینجاست که ضرورت اهمیت بررسی روابط نوجوانان با والدینشان مشخص می شود چون والدین باغبان گل‌های فطرت هستند. شناخت متقابل این دو همسویی فرزندان و والدین بایکدیگر امری اساسی است.

در ابتدای هر تحقیق انگیزه‌های برای پژوهش و بررسی موضوع مورد نظر و همچنین سؤالات آغازین و اولیه موجود است که در اینجا به آن اشاره می شود.

همیشه برای بررسی مسئله ای دلایلی وجود دارد. گاه دلایل شخصی و گاهی برای ارضای نیازهای اجتماعی در جامعه مسائل و مشکلاتی وجود دارد که افراد را بر آن داشته که به دنبال حل مسئله و یاروشن ساختن دلایل وجودی مسائل و مشکلات دست به تحقیق و پژوهش بزنند. در اینجا به چند مورد اشاره می شود:

۱. طرد شدن از خانواده و به وجود آمدن احساس تنفر در نوجوانان نسبت به خانواده.
 ۲. بروز رفتارهای ناهنجار و ناسازگار نوجوان با والدین.
 ۳. عدم برخورداری برخی از نوجوانان از ثبات فکری، روحی و رفتاری.
 ۴. عدم مسئولیت پذیری و انجام امور محوله به نوجوانان.
 ۵. ازدست دادن اعتماد به نفس و خودباوری در نوجوانان.
 ۶. انتخاب دوستان ناباب توسط نوجوانان.
 ۷. تنهایی و انزوای برخی از نوجوانان.
 ۸. نحوه برقراری رابطه با دیگران و دوستان جدید.
 ۹. احترام گذاشتن و برقراری ارتباط مفید با والدین، معلمان و بزرگسالان.
 ۱۰. توسعه بهتر شیوه های برخورد با دیگران در خانواده.
 ۱۱. خطر دزدی، فرار از خانه و مدرسه، اعتیاد به مواد مخدر و...
- خطراتی که ذکر شد نوجوانان را تهدید می کند و متأسفانه برخی از والدین متوجه این خطرات نیستند. پس نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر می تواند والدین را در برقراری ارتباطی سالم و صمیمی با نوجوانان و والدینشان را بازگونماید.

ادبیات تحقیق:

تحقیقاتی که تاکنون در مورد موضوع این پژوهش انجام گرفته و به گردآوری آن پرداخته شد مربوط به تحقیقاتی در زمان حاضر می شود که به چکیده ای از آن اشاره می شود.

۱) (سعیدی مقدم، ۱۳۷۴) در تحقیقی که پیرامون بررسی رابطه بین ساخت تربیتی و مذهبی خانواده با ارزشهای اخلاقی نوجوانان تهرانی توسط خانم فاطمه سعیدی مقدم در سال ۷۴-۷۳ صورت گرفته است چنین نتیجه گیری می شود که عمل برمبنای ارزشهای اخلاقی از سوی نوجوانان، بارفتارالگویی مادر، بخصوص در جهات مذهبی از رابطه ای عمیق برخوردار است همچنین نتایج این تحقیق نشان می دهد استقلال و آزادی بیش از حد، سختگیری و تحکم زیاد، محبت افراطی یا طرد بی مورد و بی تفاوتی در تربیت، هیچ یک رابطه معناداری با اعمال منطبق بر اخلاق و اعتقادات در نوجوانان ندارد.

۲) (امینی، ۱۳۷۹) در تحقیقی که پیرامون مقایسه عملکرد خانواده در دو گروه مستقل و وابسته به دیگران توسط خانم فریده امینی در سال ۷۹-۷۸ صورت گرفته چنین نتیجه گیری می شود که ضرورت پژوهش در آشکارسازی تأثیر عملکرد خانواده و نقش آن در گرایش افراد به وابستگی بین فردی است و با توجه به نقش و اهمیت استقلال افراد در سلامت روانی آنها و همچنین کارکرد مطلوب فردی و اجتماعی بررسی یکی از مهمترین عوامل تهدید کننده آن ضروری به نظر می رسد. بدیهی است باشناسایی و تقویت جنبه های مثبت عملکرد خانواده و اصلاح و ترمیم جنبه های آسیب زای آن توسط مطالعه علمی و دقیق می توان به استفاده بهینه از استعدادها و منابع انسانی جامعه دست یافت.

همچنین آگاهی عمیق تر از مسائل خانواده سبب افزایش توانایی درمانگران در درمان افراد و کمک به قانونگذاران و دست اندرکاران فرهنگی در طراحی و تدوین قوانین متناسب با نیازهای خانواده می شود.

۳) (خسروی، ۱۳۸۲) در تحقیق دیگری پیرامون بررسی نقش رابطه ولی-فرزندی بر فرایند فردیت یافتن دختران توسط خانم مهرنوش خسروی در سال ۸۲-۸۱ صورت گرفته است به بررسی نقش رابطه فرزندان دختر و پدران آنها در فرایند فردیت یافتن دختران نوجوان است. اهداف فرعی این پژوهش رانیز مواردی از قبیل تأثیر عوامل همچون شغل و میزان تحصیلات والدین، تنفر فرزندان خانواده و تربیت و تولد آنها بر میزان ارتباط نوجوانان با والدینشان و همچنین نقش این عوامل در میزان فردیت یافتگی دختران در برمی گیرد.

۴) (بهشتی سعادت و ترابی، ۱۳۸۲) در تحقیق پیرامون تحول ارزشها در دوره نوجوانی توسط خانمها مریم بهشتی سعادت و مریم ترابی نیادر سال ۸۲-۸۱ به بررسی میزان پایداری نوجوانان به ارزشهای شخصی با توجه به فرضیه های تحقیق پرداخته تا توصیفی علمی از این امر را ارائه نموده و پاسخگوی سؤالات مطرح شده باشد.

۵) (امامی و محمدی، ۱۳۷۸) همچنین در کتاب روشهای نوین در تربیت کودکان و نوجوانان به تألیف و ترجمه دکتر سهیلا امامی و دکتر محمد رضامحمدی مطالبی مورد بحث و بررسی قرار گرفته که عبارتند از:

چگونه می توانیم به فرزندانمان کمک کنیم، امتحان و تغییر در تفکر والدین، کنترل استرس والدین، بهتر کردن روابط والدین و فرزندان و بهبود ارتباطات خانواده، ارتقای مهارتهای تحصیلی، بالابودن توانایی فرزندان برای فهم و بیان احساسات، تفکر و اعتماد به نفس آنها، کمک به والدین در جهت به کارگیری تکنیکها و روشهایی که در این کتاب ارائه می گردیده عنوان یکی از موفق ترین روشهای تربیت مطرح می باشد و در این کتاب سعی نویسندگان شناساندن این روش به والدین برای حل مشکلات رفتاری فرزندانیشان می باشد.

بنابراین عمل برمبنای ارزشهای اخلاقی از سوی نوجوانان با رفتارالگویی والدین بخصوص در جهات مذهبی از رابطه ای عمیق برخوردار است. بدیهی است باشناسایی و تقویت جنبه های مثبت عملکرد خانواده و اصلاح و ترمیم جنبه های آسیب زای آن توسط مطالعه علمی و دقیق می توان به استفاده بهینه از استعدادها و منابع انسانی جامعه دست یافت.

تنها عوامل درونی نیستند که وضعیت روحی روانی نوجوان را برهم می زند بلکه مسائل خطرناک بیرونی و همچنین محیط خانواده نقش بسزایی دارد و گرگونی های این دوره راز یادمی کنند و آنان را در بحران عمیق تری فرو می برد.

فرضیات پژوهش:

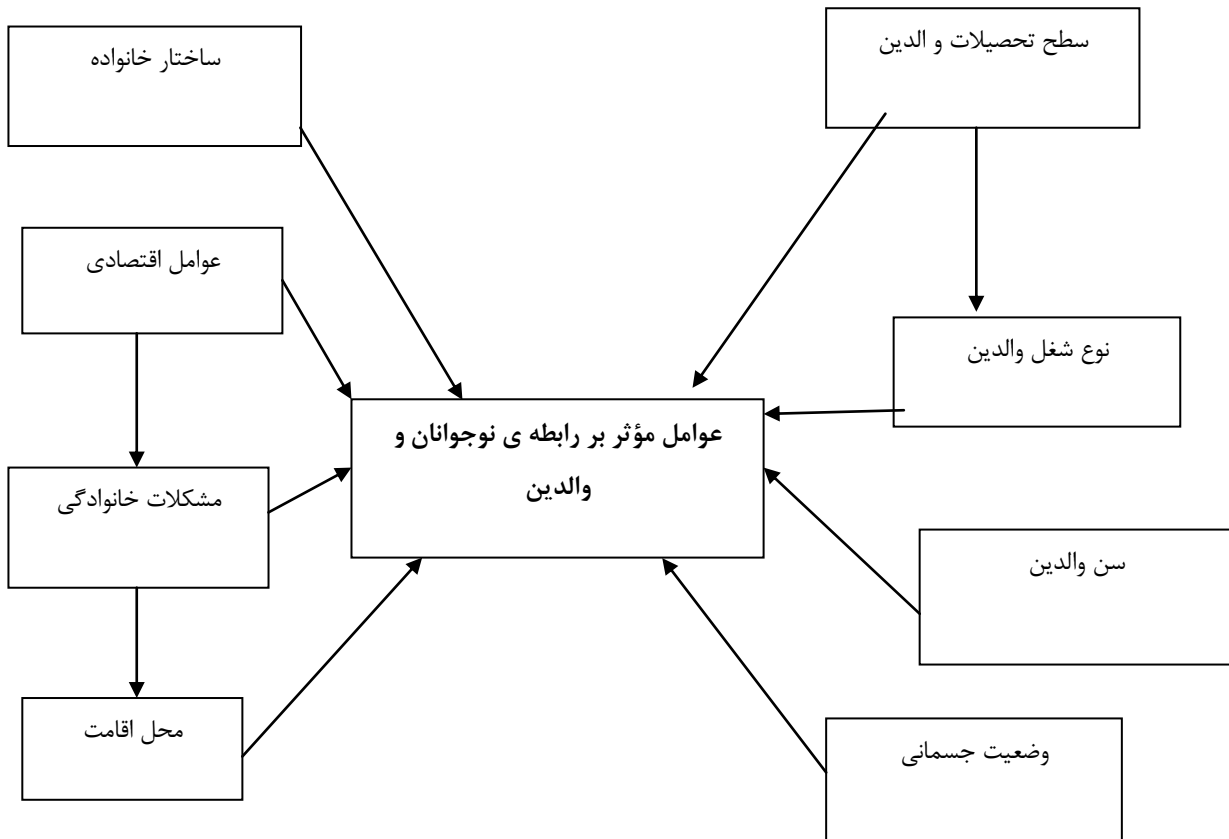
فرضیه اصلی:

بررسی عوامل اثرگذار بر رابطه نوجوانان باوالدینشان و تبیین عوامل مؤثر بر آن.

فرضیات فرعی:

- فرضیه ۱: میان سن فرد و چگونگی اقتدار در روابط میان نوجوانان و والدین رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۲: میان تعداد فرزندان در خانواده و چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۳: میان وضعیت اقتصادی (درآمد و شغل والدین) و چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۴: میان سطح تحصیلات والدین و میزان انتظار و توقع آنها از نوجوانان رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۵: میان سطح تحصیلات والدین و میزان اعتماد آنها به نوجوانان رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۶: میان سطح تحصیلات والدین و چگونگی کیفیت تبعیض جنسیتی در خانواده رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۷: میان اهلیت والدین و چگونگی کیفیت اقتدار در خانواده رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۸: میان سطح تحصیلات والدین و چگونگی کیفیت روش های پرورشی والدین در خانواده رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۹: بین توجه والدین به تفاوت های فردی و تربیت صحیح آنها رابطه وجود دارد.

مدل تحلیلی:



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق

روش تحقیق:

در پژوهش حاضر سعی در سنجش روابط بین نوجوانان باوالدینشان در شهرستان دهدشت داریم. این پژوهش به صورت پرسشنامه تهیه گردیده است و جمع آوری پرسشنامه ها از طریق مراجعه به افراد پاسخگو به صورت حضوری و مستقیم انجام شده است و نتایج حاصله را در این پژوهش به کار بردیم. روش استفاده در این تحقیق، روش مشاهده مستقیم «میدانی» است.

تعاریف مفاهیم:**۱- روابط^۱:**

هرگونه ارتباط بین دو یا چند نفر یا چند گروه. رابطه می تواند پیوسته و در جهت مودت همکاری باشد و یا گسسته در جهت پراکندگی و دشمنی صورت گیرد. باز این ارتباط می تواند صورت مستقیم یا غیرمستقیم یابد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۶۷۸).

۲- نوجوانی^۲:

دورانی در فرایند رشد فرد بین کودکی و نوجوانی، نوجوانی در دوران مهمی از زندگی انسان را شامل می شود و حدود سنی بین ۱۴-۱۱ سالگی را در بر می گیرد و به سه مرحله، قبل از بلوغ، مرحله بلوغ و مرحله بعد از بلوغ تقسیم می شود (امیرحسینی، ۱۳۷۷، ۹۶).

۳- مشکلات خانوادگی^۳:

به مشکلاتی گفته می شود مانند: طلاق، بی سرپرستی، فوت، اعتیاد والدین که درون یک خانواده وجود دارد گفته می شود که اثر مستقیم بر رفتار کودکان و نوجوانان باقی می گذارد و سرمنشأ بسیاری از اختلالات رفتاری می گردد (حقانی، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

۴- اقتدار^۴:

اقتدار کیفیتی انتزاعی و وجهی از یک رابطه است که در آن شخص فرمان می دهد و دیگری می پذیرد و به استثنای موارد لجبازی، فرمانبرداری، اقتدار با میزانی از تمایل صورت می گیرد (شایان مهر، ۱۳۸۰: ۱۹۱).

مفهوم خانواده:

خانواده به عنوان نظامی که قوانینی برای اعضای خود در نظر گرفته است می تواند زمانی سازمانی نیرومند و ارائه دهنده روش هایی برای حل مشکلات باشد. خانواده این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی، از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می رود. در واقع هر خانواده را باید خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت و رسوم و ارزشهای والا و مورد احترام، و شالوده مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبدأ بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط میان افراد، و مهد پرورش فکرواندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی به حساب آورد (سیف، ۱۳۶۸).

نهاد خانواده، اهمیت و نقش آن در پیوند نسل ها

شکاف بین نسل ها اگر چه در تمامی روابط اجتماعی قابل رویت است اما بیشترین نمود آن را در خانواده ها و در میان اعضای خانواده می توان دید. در این نهاد انتقال فرهنگ گذشته به نسل جدید توسط اعضای خانواده صورت می گیرد. اگر انتقال فرهنگ و ارزش های فرهنگی به شکل یکسویه انجام شود، شکاف بین نسل ها مشکل ساز می شود. اگر فرد به خصوص نوجوان در جریان پذیرش هنجار ها و ارزش ها تنها از طرف جامعه تأثیر بپذیرد، یعنی خانواده در تثبیت هنجار ها و ارزش ها در نوجوان نقش مؤثری نداشته باشد، او هر چه را که در جامعه دیده، می پذیرد بنابر این باید بگوییم خانواده از نقش اصلی خود غافل شده است. در این میان مادران نقش با اهمیتی دارند. الگوهای تربیتی که مادران در تربیت فرزندان به کار می برند، نحوه

¹- Relations

²- Adolescence

³- Family problems

⁴- Authority

برخوردوارتباط آنها با فرزندان تأثیر به سزایی در تربیت آنان و پذیرش نقش هادراآینده دارد. بنابراین، والدین در پیوند نسل ها و نزدیک سازی آنان بسیار مؤثرند. در کنار این، فرزندان نیز با نگرش مثبت نسبت به والدین و استفاده از تجارب آنان می توانند خود را به نسل قبل نزدیک سازند. نهاد خانواده در پیوند نسل نوجوان و نسل قبل تر می تواند به طرق زیر مؤثر باشد:

۱- به کارگیری الگوهای تربیتی دموکراتیک:

حاکم سازی رویکرد دموکراتیک بر خانواده به این معنا نیست که والدین هیچ قاعده ای را بر خانواده و ارتباط میان اعضا حاکم نکنند و آنقدر در خانه هایشان بی قدرت شوند که احساس کنند وضعیت خارج از کنترل است یا ترس از این داشته باشند که از کنترل خارج شود. رویکرد دموکراتیک وقتی زیان آور می

شود که فقدان قواعد، ساختار و نظم را برای بچه ها افزایش می دهد مسائل نیز هنگامی افزایش می یابد که رویکرد دموکراتیک به فرد برای انجام هرکاری که می خواهد، آزادی بیش از حد می دهد و کوشش برای اجتناب از آسیب دیدن روابط، جایگزین آموزش تعادلی و محدودیت های زندگی می شود. مردم برای توفیق، نیاز به آگاهی از قواعد و محدودیت ها دارند. فقدان احترام به والدین موجب می گردد که روابط با معلمان، رؤسا و سایر افراد در مواضع قدرت نیز از این امر متأثر می شود (گاردنر^۱، ۲۰۰۴) بدین منظور باید:

(الف) به فرزندان و علائق آنها احترام بگذاریم.

(ب) به فرزندان فرصت صحبت کردن و اظهار نظر بدهیم.

(پ) اشتباهاتمان را بپذیریم و سعه صدر داشته باشیم.

(ت) از فرزندان خود غافل نشویم.

۲. تبدیل خانواده به کانون رشد مدنیت:

خانواده نهادی است که تأثیر عمیقی بر بینش های اعضا در مورد مفاهیم اجتماعی می گذارد، بنابراین: رشد جامعه مدنی، به نوع تربیت افراد بستگی دارد و خانواده رami توان کانون رشد مدنیت انسان دانست. خانواده با حاکم سازی فضای پرسشگری و تصمیم گیری آزاد روح دموکراسی را تقویت می کند.

فضای آزاد حاکم بر خانواده می تواند قدرت تحمل مخالف در جامعه را افزایش دهد.

اصل آزادی اندیشه را در خانواده حاکم کنیم و فضای آزاد منشی را ترویج دهیم بدین منظور لازم است:

اصل احترام به والدین جایگزین اصل پذیرش بی چون و چرای فرمان ها و دستور های والدین گردد.

آداب و رسوم زمان خود را با اجبار و فشار به فرزندان تحمیل نکنیم.

ساختار اقتدار را در خانواده از عمودی به افقی تغییر دهیم و اصل مشارکت را در خانواده حاکم سازیم.

گسترش مشارکت در خانواده بازتابی از مشارکت آحاد مردم و دولت است.

ضرورت ایجاد رابطه دو سویه میان افراد خانواده، امری قابل توجه است زیرا در اقتدار کل جامعه مؤثر است.

اگر والدین مهارت های زندگی را فراگیرند، رفتار های فرزندان را درست مدیریت کنند و بار عاطفی و وابستگی را میان اعضای خانواده افزایش دهند، می توانند جلوی بسیاری از آسیب ها را بگیرند. این امر به طریق زیر امکان پذیر است:

با تفریحات سالم، افزایش میان گفتمان بین اعضای خانواده، دید و بازدید ها، مسافرت و افزایش میزان نشاط.

از بودن با فرزندان لذت ببریم، برای آنها جایگاه و ارزش قائل شویم. وقتی که نوجوانان بفهمند کسانی آنها را دوست دارند،

معمولاً دوست داستنی تر عمل می کنند (دونکان^۲، ۲۰۰۱)

برقراری روابط دو طرفه و حاکم شدن عشق بر این روابط.

^۱ Gardner

^۲ Duncan

آموزش احترام به والدین و بزرگترها و درونی سازی آن در خانواده از طریق الگو بودن والدین در این زمینه.

نوجوانی و خانواده:

نقش خانواده در رشد و تشکیل شخصیت نوجوان بر هیچ کس پوشیده نیست. خانواده اولین و تنها واسطه ارتباط کودک با اجتماع است. در خانواده کودک ارزش ها و ضد ارزش ها، اصول و قواعد اخلاق را می آموزد. کودکان از لحاظ عاطفی، شناختی و ... وابستگی خاصی به خانواده دارند و برای آن ها خانواده مهم ترین نقش را در زمینه ی تأمین نیازهای روانی کودک دارد. این نیازهای عاطفی در نوجوانی رنگ شدیدتری به خود می گیرد که نوجوان آن را در محیطی وسیع تر از خانواده جستجو می کند و بر همین اساس است که ارتباط نوجوان با اطراف افزایش می یابد. نوجوان کمتر تمایل دارد در خانه بماند و به روابط بیرون از خانواده اهمیت بیشتری می دهد. نوجوان را نه می توان کودک دانست و نه هم ردیف با بزرگسالان قرار داد. خانواده ها در برخورد با این دوران که گاه به بحران یاد می شود بر چند دسته تقسیم می شوند:

۱- خانواده های طبیعی (تعادل): در این خانواده ها هر یک از اعضا ضمن داشتن استقلال شخصی در کارهایشان در اغلب امور به مشورت با یکدیگر می پردازند. پدر و مادر روش مشترکی را در برخورد با نوجوان پیش می گیرند و به نیازهای نوجوان در این دوران آگاهی کافی دارند؛ مسائل مربوط به نوجوان شان را می شناسند و در مورد مسائلی که مربوط به آن ها می شود به مشورت می پردازند. رابطه میان والدین و فرزندان نه از روی وحشت و نه اجبار است فرزندان به راحتی با والدین شان ارتباط برقرار می کنند. در این خانواده ها ضمن تبادل نظر در امور خانوادگی، رهبری بر عهده پدر خانواده است.

۲- خانواده های بی نظم: در این خانواده ها هیچ یک از اعضا مسئولیت اصلی خود را ایفا نمی کند. پدر فقط قسمتی از مسئولیتش را برعهده می گیرد؛ به او بیشتر به چشم برطرف کننده نیازهای مادی نگاه می شود و به نقش وی اهمیت چندانی داده نمی شود. در عوض این مادر است که تقریباً مسئولیت تمامی امور را بر عهده دارد اما اغلب مادران در این نوع خانواده ها روش ثابتی را در تنبیه و تشویق کودکان ندارند و در برابر موقعیت های یکسان، واکنش های مختلفی از خود نشان می دهند. در اغلب موارد مادر نمی تواند الگوی مناسبی برای دختر خانواده باشد، زیرا نقش مادر با انتظارات جامعه متفاوت است. دختران و پسران در این نوع خانواده ها در ایفای نقش مادرانه و پدرانه دچار مشکل می شوند. آن ها در آینده با انتخاب فردی ناکامل در زندگی آینده نیز دچار مشکل می شوند.

۳- خانواده های سخت گیر: در این نوع خانواده روابط بین والدین و فرزندان از روی استبداد است و حتی گاه این روابط پایه روابط میان والدین را می گذارد. والدین نسبت به خواسته های مشروع فرزندان شان بی اعتنا می باشند و همواره مانع از تحقق آن ها می شوند. اغلب والدین حالات روحی، روانی مناسبی ندارند. به همین جهت مشکلات فراوانی برای فرزندان ایجاد می شود. فرزندان هیچ راه انطباقی با والدین شان ندارند و توانایی چندانی برای ایجاد ارتباط با دیگران ندارند.

۴- خانواده های آسان گیر: در این خانواده ها در دادن آزادی به نوجوان افراط می شود. کنترل چندانی نسبت به رفت و آمدها، رفاقت ها و ... ندارند. اغلب پدر و مادرها به علت مشغله کاری زیاد زمان کافی و مناسبی برای فرزندان شان ندارند و تربیت و شکل گیری آنان را بر عهده جامعه می گذارند و نوجوان به ارزش ها و ضد ارزش های اجتماعی توجهی ندارند و فردی ناهنجار، لابلایی بی قید و بند می شوند و چون در طول زندگی شان هیچ نظم و ترتیبی نداشتند. با اولین برخورد و تنبیه دچار شکست می شوند. این نوجوانان اغلب گام در مسیر والدین شان می گذارند بی تردید همگی ما در زندگی روزمره شاهد این مسائل هستیم که پسر یک فرد معتاد نیز اعتیاد دارد؛ دختر مادر بی نظم هیچ نظامی در کارهایش مشاهده نمی شود و...

نیاز های دوره نوجوانی و جوانی:

هر رفتاری که از انسان سر می زند به منظور برآورده شدن یکی از نیازها و خواسته های بدنی و روانی او می باشد. اگر بتوان نیازهای مهم نوجوان و جوان را شناخت، می توان به فرد یاری کرد تا آنها را به خوبی و از طریق صحیح ارضاء نماید. نیازهای اساسی بشر را به دو دسته تقسیم کرده اند:

۱- نیازهای بدنی یازیستی که نیازهای اولیه انسان نامیده می شوند بدون ارضای آن نیازها، زندگی میسر نمی باشد مانند نیاز به غذا، آب، هوا، خواب و استراحت، دفع و غیره که از گفتگو درباره آنها صرف نظر می شود.

۲- نیازهای روانی یا ثانویه که عدم ارضای این نیازها موجب پیدایش اختلالات، ناراحتی ها و بیماری های روانی می شود و گاهی آنچنان تعادل عاطفی فرد را بهم می زند که او مستأصل شده، از زندگی بیزار می گردد. بسیاری از ناامیدی ها، افسردگی ها، نگرانی ها، مردم آزاری ها، پرخاشگری ها، سوءظن ها و بدبینی ها، بزهکاری ها و حتی قتلها و خودکشی ها، غالباً ناشی از عدم ارضای صحیح نیازهای روانی می باشد (ضوابطی، ۱۳۶۵).

رابطه والدین و فرزندان:

از آنجایی که روابط والد-فرزند، نشان دهنده ی ابتدایی ترین و اصلی ترین روابط اجتماعی انسان درگستره زندگی است. از این رو کیفیت روابط والد-فرزند به عنوان مهمترین عامل مؤثرشایستگی، شکوفایی و بهزیستی همه افراد مورد بحث قرار گرفته است. رابطه فرزندی والدین همچنانکه این دوبا یکدیگر کنش متقابل دارند رشد می کند. رفتار فرزندان هم مانند رفتار و نگرش های والدین به این کنش متقابل کمک می کند. همانطور که خلق و خوی کودک در والدین تأثیر می گذارد، خصوصیات فردی والدین نیز در واکنشهای کودک تأثیر می گذارد (ماسن، یاسائی، ۱۳۷۳).

دکتر غلامعلی افروز گفت: والدین ایرانی در طول شبانه روز ۳ دقیقه با فرزندان خود صحبت می کنند این میزان نیز بیشتر انضباطی اختصاص دارد در کشورهای توسعه یافته هم گفتگوهای والدین و فرزندان کمتر از یک دقیقه است و توسعه مهارت های کلامی را مهم دانست و افزود: اگر دقایق و ساعات گفتگو را در خانواده با حفظ مضمون درست بالا ببریم، بهداشت روانی خانواده را تضمین کرده ایم. فراغت، صرف بیکاری، بی مسئولیتی و زیادی وقت نیست، بلکه ارزشمندترین لحظه عمر انسان را فراهم می کند. دوران فراغت، شمشیر دولبه ای است که از یکسو آن خلاقیت و رشد و سوی دیگر آن آسیب پذیری و کجروی است (مجله زن، شماره ۱۳۹).

ارزشهای والدین و نوجوانان: تداوم یا تعارض؟

دیدگاه والدین غالباً حاوی دست یابی به نوعی مصالحه با فرزندان نوجوان است. از نظر والدین، این مساله می تواند در قالب آزادی عملی که به فرزندان نشان می دهند و حدودی که برای آن منظور می دارند خلاصه شود. فرزندان مساله را با شکل حد و مرزی ملاحظه می کنند که اجازه دارند حتی المقدور به آن نزدیک شوند. سایت بازگش به خانه، اجازه استفاده از موتور سیکلت، برقراری روابط جنسی و استفاده از سیگار و مواد مخدر- برای جوانان تمام اینها موضوعاتی برای بحث و تبادل نظر تلقی می شوند.

روابط بین والدین و فرزندان نوجوان همچنین به مشارکت نوجوانان در زندگی خانوادگی، نقش آنان در تصمیم گیری در مورد تعطیلات خانوادگی و کمک به کارهای خانه و ارتباط، موازنه معقول بین جهاد شخصی و خصوصی آنان و درجه ای معقول از اندرکش با سایرین بستگی دارد. این مسایل می توانند با پیچیدگیهای بیشتری همراه شوند زیرا آن هنگام که فرزندان به سن بلوغ می رسند، والدین مسنتر شده اند و پانزده سال یا بیشتر از آغاز زندگی مشترک آنان گذشته و رابطه بین خود آنها نیز ممکن است در مرحله ای بحرانی قرار گرفته باشد. چه بسا پدر و مادر در باره ی الگوهایی که مایل اند به مرحله اجرا در آورند (الگوهایی که شاید متفاوت و حتی متضاد باشند) و نیز در مورد هنجارهایی که خود پذیرفته اند و هنگام ارائه آنها را با وضوح تنظیم و تدوین کنند، خود گرفتار اختلاف سلیقه باشند. ممکن است در این مرحله معلوم شود که ارزشهای هر یک از آنان، که محصول فرایند جامعه پذیری خود او بوده، به مراتب بیش از آنچه که قبلاً تصور می شده با هم تفاوت دارند. واقعیت اینست که هرچه تفاوت منشأ و پیشینه اجتماعی و زن و شوهر بیشتر باشد، بروز تضاد شدید والدین با یکدیگر و بین والدین و فرزندان محتملتر خواهد بود.

برای این پرسش که آیا نوجوانان ارزش های والدین خود را می پذیرند یا آنها نفی میکنند، جوابی ساده وجود ندارد. در حال حاضر، والدین نوجوانان در شرایطی دشوار قرار دارند. اینکه امروز ارزشهای اجتماعی، خصوصاً در مورد مسایل جنسی در حال دگر گونی هستند گفته ای رایج است. آنچه که والدین در دوره کودکی خود فرا گرفته اند دیگر نمی تواند راهنمای فرزندان شان باشند. (الیاسی، ۱۳۷۵).

سبک های فرزند پروری:

زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. خانواده اولین و مهم ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می سازد.

فرزند پروری

اصطلاح فرزند پروری از ریشه پر یو^۱ به معنی "زندگی بخش" گرفته شده است. منظور از شیوه های فرزند پروری، روش هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می گیرند و بیانگر نگرش هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می کنند. ولی باید پذیرفت که رفتارهای فرزند پروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه های اقتصادی تغییر می کند.

سه سبک فرزند پروری را مطرح کرد که عبارتند از:

۱- شیوه مقتدرانه

۲- شیوه سهل گیرانه

۳- شیوه مستبدانه

مک کوبی و مارتین شیوه مسامحه کارانه را نیز به سه شیوه ی بامریندافزودند. سبک های فرزند پروری واجددومؤلفه اساسی هستند.

مطلق گرایی و طرفداری های بی اندازه از افراد و اشیاء محبوب خود

از منظر تربیتی اسلام این رفتار از یک صفت متعالی و ارزشمند که از فطرت الهی انسان سرچشمه می گیرد، بصورت انحرافی برخاسته است

و آن عبارت است از جاذبه انسان به حقیقت مطلق، عظمت مطلق، قدرت مطلق، زیبایی مطلق، علم مطلق، کمال مطلق، نور مطلق و مطلق تمام صفات عالی انسانی. این جاذبه عجیب انسان را و می دارد که به سوی کمال حرکت نماید و مجذوب آن گردد تا متصل به ملکوت اعلی شود.

دوستی ها و راز گویی های افراطی

از نگاه تربیتی اسلام این رفتار صورت منحرف شده از یک صفت بسیار ارزشمند و متعالی و خاص حیات انسانی انسان می باشد که در فطرت الهی او به ودیعه گذاشته شده است؛ و آن عبارت است از انس و الفت و مهر و رحمت و شفقت و صفا و یکرنگی و برادری و لطف و اخلاص. این صفت در اثر تربیت صحیح به وسیله نظام سازی انسانی، حیات انسان را رونق می بخشد؛ و انسان های صالح را به یکدیگر نزدیک می نماید.

^۱ - pario

نقش والدین در مسئولیت پذیری نوجوانان

جامعه شناسان براین باورند، واگذاری مسئولیت به فرزندان و شرکت دادن آنان در دوره نوجوانی در بده بستان های اجتماعی برای تسهیل رشد انسانی و ورود به دوره جوانی و بزرگسالی ضرورتی انکار ناپذیر است. کارکردن نیاز هر انسان سالم و درمان گر احساسی نگر و خیال پردازی نوجوانان است. نوجوانی که به دنیای کار وارد می شود؛ فشارهای ناشی از هیجانات نوجوانی را بهتر تحمل کرده و رشد اجتماعی، فکری و عاطفی وی تسریع می شود، مهمتر این که به نوجوانان فرصت داده می شود، ایده های خود را در جریان کار به مرحله آزمایش گذاشته و از این راه رشد خود را به تدریج گسترش دهد، طرح مناسبی برای ایفای نقش های شغلی و اجتماعی خود ریخته و برنامه زندگی خویش را تعیین کنند. محققین معتقدند اگر همه افراد به مسئولیت های خود عمل کنند و خود را متعهد به انجام آن بدانند جامعه با پیشرفت بیشتری روبه رو بوده و از بسیاری جرم و جنایت ها کاسته خواهد شد. در این میان خانواده به عنوان اولین نهادی که فرد از بدو تولد بسیاری ابعاد شخصیتی خود را از آن می گیرد، نقش مهمی در ایجاد مسئولیت پذیری افراد دارد. در یک سال اول تولد می بایستی سرویس بی قید و شرط به کودک داده شود اما پس از آن یعنی از یک سالگی به بعد بایستی کم کم برخی کارها را به خود کودک واگذار کرد. به عنوان نمونه شیشه شیر را برای خوردن، خودش نگه دارد و غیره. چون فرد در ۶ سال اول زندگی به قدری هوشیار و حساس است که هر حرف و عملی را از سوی افراد به خاطر سپرده و در زندگی آینده اش به کار خواهد برد. کودک به دلایلی مانند غذا، پوشاک و غیره به والدین خود وابستگی زیادی دارد، بنابراین آنها را الگوی کارهای خود قرار می دهد و از آنها تقلید می کند و بسیاری از عاداتها، گفتار و کردار پوشیدن لباس آنان و روشی که در گفت و شنود دارند را تکرار می کند. برای ایجاد مسئولیت پذیری در کودک و نوجوان بایستی وظیفه ای به آنان واگذار کرد تا آن را تجربه کرده و اشتباه های خود را در حین آن متوجه شوند و باید خاطرنشان کرد بیشترین میزان اعتماد به نفس در نوجوانان و جوانانی دیده می شود که والدین آنها توجه و علاقه مندی بیشتری به عقاید و فعالیت های فرزندان نشان داده و آنها را تشویق کرده تا رفتاری استقلال طلبانه داشته باشند و در امور زندگی خانوادگی فعالانه شرکت کنند.

نظریه ی یادگیری اجتماعی:

اکبری قمصری (۱۳۷۳) به منظور آزمون این فرضیه ها که خانواده هایی که والدین در آن از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند، بهتر می توانند فرزندان خود را اجتماعی کنند و آزمون این فرضیه که همانندسازی و الگوگیری فرزندان با والدین در رشد اجتماعی فرزندان مؤثر است. (فصلنامه مطالعات جوانان، ۲۰۹، ۱۳۸۷)

لارسون ریدوپیرزتیکی در مطالعات خود نشان دادند که شرکت نوجوانان در برنامه های جدید راهی برای ایجاد فرصت برای نوجوانان است که انتخاب شخصی خودشان را تمرین کنند و اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری خود را توسعه دهند البته با تأیید و الگوگیری از والدین. (همان، ۲۱۰) موراشل در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که عوامل محیطی خانواده و شخصیت فردی می تواند در رشد اجتماعی، عاطفی فرزندان مؤثر باشد. (همان، ۲۱۰)

ماسن:

معتقد است فرزندان بسیاری از الگوهای رفتاری، خصوصیات اخلاقی، انگیزه ها و ارزشهای والدین خود را از طریق فرایندهای تقلید یا همانند سازی کسب می کنند. در روانشناسی معاصر اصل مسلمی وجود دارد که در امر تربیت و آموزش کاربرد فراوان دارد و آن اصل محاکات است. بر اساس آنچه که اصل محاکات به ما می آموزد همه افراد میل دارند که شناختی از دیگران پیدا کنند، گرایشی چون گرایش دیگران و واکنشی چون واکنش دیگران داشته باشند. این اصل همچنین روشنگر میزان تأثیر پذیری انسان به گونه ای خود آگاه از اموری است که در اطراف او جریان دارد و بر همین اساس پدر و مادر، دوست، معلم و ... به زودی رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می دهند و انسان را به گونه ای خود می سازند (ملکی، ۱۳۷۴).

آلبرت بندورا:

معتقداست یادگیری از طریق تقلید و الگوبرداری صورت می‌گیرد. این نظریه فردرآمدوجودی فعال می‌داند و نقش تفکر در یادگیری انسان را نیز تصدیق می‌کند. براساس این نظریه یادگیری افراد در یک زمینه اجتماعی صورت می‌گیرد و پیچیدگی آن بسیار بیشتر از یادگیری شرطی است و نقش همانندسازی با والدین و بزرگسالان و الگوبرداری در رشد و یادگیری اهمیت دارد. بنابراین کودک یا نوجوان براساس ویژگی‌های شخصی و فعالیت خود، الگوی معینی را از میان الگوهای مختلف والدین و بزرگسالان و... انتخاب می‌کنند. بندورا معتقد است افراد باید فرد را به عنوان الگو قبول داشته باشند تا از او الگوبرداری کنند. در نظریه یادگیری اجتماعی بر اهمیت نقش الگودر زندگی تأکید می‌شود و این امر در دوران نوجوانی که دوران الگوبرداری و کسب هویت است، اهمیت بیشتری می‌یابد. آگاهی از این مسئله مسئولیت والدین و مربیان را سنگین‌تر می‌کند، به صورتی که باید هم نقش الگویی خود را درست ایفا کنند و هم در انتخاب الگوهای مثبت و سازنده‌ی نوجوانان را یاری کنند (احدی و جمهری، ۱۳۸۰: ۷۲).

نظریه‌ی کارکردگرایی:

اسمیت می‌گوید عواملی مانند عملکرد خانواده، شغل پدر، تحصیلات والدین، حضور یا عدم حضور یکی از والدین و اندازه‌ی خانواده می‌تواند بر رشد اجتماعی و عاطفی نوجوانان تأثیرگذار باشد. (همان، ۲۱۰)

از نظر جامعه‌شناس امریکایی تالکوت پارسونز، دو کارکرد اصلی خانواده عبارت‌اند از اجتماعی شدن اولیه و تثبیت شخصیت. اجتماعی شدن اولیه فرایندی است که کودکان هنجارهای فرهنگی جامعه را می‌آموزند که در آن به دنیا آمده‌اند. چون این فرآیند در سال‌های نخست کودکی رخ می‌دهد، خانواده مهم‌ترین بستر رشد و نمو شخصیت انسان است. تثبیت شخصیت به عنوان نقشی است که خانواده در کمک و حمایت عاطفی از اعضای بزرگسال خود برعهده دارد. پارسونز خانواده‌ی هسته‌ای را مناسب‌ترین و کارآمدترین نوع خانواده برای پاسخگویی به نیازهای جامعه‌ی صنعتی می‌دانست (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۵۴، ۲۵۵).

روش تحقیق:

در پژوهش حاضر سعی در سنجش روابط بین نوجوانان با والدینشان در شهرستان دهدشت داریم. این پژوهش به صورت پرسشنامه تهیه گردیده است و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از طریق مراجعه به افراد پاسخگو به صورت حضوری و مستقیم انجام شده است و نتایج حاصله را در این پژوهش به کار بردیم. روش استفاده در این تحقیق، روش مشاهده مستقیم «میدانی» است.

تکنیک تجزیه و تحلیل:

بعد از جمع‌آوری اطلاعات به وسیله‌ی پرسشنامه، داده‌های این پژوهش پس از ورود به رایانه با نرم‌افزار آماری SPSS فرضیه‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. سطح تحلیل نوجوانان شهرستان دهدشت است و این سطح یک سطح خرد است.

جامعه آماری:

در این پژوهش جامعه آماری ما کلیه نوجوانان دختر شهرستان دهدشت در سال ۱۳۹۱ می‌باشند. که براساس آمار گرفته شده از اداره آموزش و پرورش شهرستان دهدشت ۴۸۰۴ نفر می‌باشند. که از این جامعه آماری ۱۰۰ نفر را به طور تصادفی به عنوان نمونه انتخاب کردیم.

حجم نمونه و روش نمونه گیری:

در این تحقیق از روش مطالعه موردی استفاده شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر ۳۵۵ نفر بدست آمده است.

$$N=480 \quad d=0.05 \quad t=1.96$$

$$n = \frac{Nt^2 p(1-p)}{Nd^2 + t^2 p(1-p)}$$

$$n = \frac{4804(1/96)^2(0/25)}{4804(0/05)^2 + (1/96)^2(0/25)} = \frac{4611.84}{12.96} \approx 355$$

ابزار جمع آوری داده ها:

در این پژوهش ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است، این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت به وسیله محقق تهیه و سپس اعتبار و پایایی آن در مرحله مقدماتی^۱ مورد سنجش قرار گرفته است.

یافته های توصیفی**جدول ۱: جدول فراوانی**

درآمد	سطح تحصیلات	شغل	تعداد فرزندان	محل سکونت	سن	مشاهده شده	تعداد
۷۳	۹۹	۹۱	۸۲	۹۹	۹۶	از دست رفته	
۲۷	۱	۹	۱۸	۱	۴		

جدول ۲: جدول توزیع متغیرسن

درصد	فراوانی	سن
۱	۱	۱۱
۱۶	۱۶	۱۲
۲۵	۲۵	۱۳
۳۱	۳۱	۱۴
۲۱	۲۱	۱۵
۱	۱	۱۶
۱	۱	۱۷
۹۶	۹۶	جمع
۴	۴	بی پاسخ
۱۰۰	۱۰۰	جمع

^۱ Pretest

جدول ۳: جدول توزیع متغیر محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	درصد
شهر	۵۶	۵۶
روستا	۴۳	۴۳
جمع	۹۹	۹۹
بی پاسخ	۱	۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۴: جدول توزیع متغیر تعداد فرزندان

تعداد فرزندان	فراوانی	درصد
۱	۲۹	۲۹
۲	۱۲	۱۲
۳	۱۷	۱۷
۴	۹	۹
۵	۶	۶
۶	۴	۴
۷	۲	۲
۸	۳	۳
جمع	۸۲	۸۲
بی پاسخ	۱۸	۱۸
جمع	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۵: جدول متغیر سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۱۲	۱۲
خواندن و نوشتن	۷	۷
ابتدایی	۲۸	۲۸
راهنمای	۲۳	۲۳
دیپلم	۱۷	۱۷
فوق دیپلو و بالاتر	۱۲	۱۲
جمع	۹۹	۹۹
بی پاسخ	۱	۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰

یافته های استنباطی

فرضیه ۱: میان سن فرد و چگونگی اقتدار در روابط میان نوجوانان و والدین رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از همبستگی استفاده میشود:

جدول ۶: آزمون همبستگی فرضیه اول

چگونگی اقتدار در روابط میان نوجوانان و والدین	آزمون همبستگی	
۰.۲۰۹	ضریب همبستگی اسپیرمن	سن فرد
۰.۰۴۱	معناداری	
۹۶	تعداد	

جدول فوق نشان میدهد فرضیه آزمون قبول میشود زیرا مقدار معناداری ۰.۰۴۱ میباشد و ضریب همبستگی مقدار ۰.۲۰۹ است که مقدراری مثبت است.

فرضیه ۲: میان تعداد فرزندان در خانواده و چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین رابطه وجود دارد.

جدول ۷: آزمون همبستگی فرضیه دوم

چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین	آزمون همبستگی	
-۰.۲۵۳	ضریب همبستگی اسپیرمن	تعداد فرزندان در خانواده
۰.۰۲۲	معناداری	
۸۲	تعداد	

با توجه به جدول فوق فرضیه آزمون رد نمی شود بین تعداد فرزندان در خانواده و چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.022 < 0.05$ و $r=-0.253$).

فرضیه ۳: میان وضعیت اقتصادی (درآمد و شغل والدین) و چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از همبستگی استفاده میشود:

جدول ۸: آزمون همبستگی فرضیه سوم

چگونگی کیفیت امکانات رفاهی در روابط میان نوجوانان با والدین	آزمون همبستگی	
۰.۲۱۲	ضریب همبستگی اسپیرمن	وضعیت اقتصادی
۰.۰۳۴	معناداری	
۱۰۰	تعداد	

جدول فوق نشان میدهد فرضیه آزمون قبول میشود زیرا مقدار معناداری ۰.۰۳۴ میباشد و ضریب همبستگی مقدار ۰.۲۱۲ است که مقداری مثبت است.

فرضیه ۴: میان سطح تحصیلات والدین و میزان انتظار و توقع آنها از نوجوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۹: آزمون همبستگی فرضیه چهارم

آزمون همبستگی		میزان انتظار و توقع آنها از نوجوانان
سطح تحصیلات والدین	ضریب همبستگی	-۰.۱۹۸
	اسپیرمن	
	معناداری	۰.۰۴۸
	تعداد	۱۰۰

با توجه به جدول فوق فرضیه آزمون رد نمی شود بین سطح تحصیلات والدین و میزان انتظار و توقع آنها از نوجوانان ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.048 < 0.05$ و $r=-0.198$).

فرضیه ۵: میان سطح تحصیلات والدین و میزان اعتماد آنها به نوجوانان رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از همبستگی استفاده میشود:

جدول ۱۰: آزمون همبستگی فرضیه پنجم

آزمون همبستگی		میزان اعتماد آنها به نوجوانان
سطح تحصیلات والدین	ضریب همبستگی اسپیرمن	-۰.۲۰۲
	معناداری	۰.۰۴۴
	تعداد	۱۰۰

با توجه به جدول فوق فرضیه آزمون رد نمی شود بین سطح تحصیلات والدین و میزان اعتماد آنها به نوجوانان ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.044 < 0.05$ و $r=-0.202$).

فرضیه ۶: میان سطح تحصیلات والدین و چگونگی کیفیت تبعیض جنسیتی در خانواده رابطه وجود دارد.

جدول ۱۱: آزمون همبستگی فرضیه ششم

آزمون همبستگی		چگونگی کیفیت تبعیض جنسیتی در خانواده
سطح تحصیلات والدین	ضریب همبستگی	-۰.۲۱۰
	اسپیرمن	
	معناداری	۰.۰۳۶
	تعداد	۹۹

با توجه به جدول فوق فرضیه آزمون رد نمی شود بین سطح تحصیلات والدین و چگونگی کیفیت تبعیض جنسیتی در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد ($p=0.036 < 0.05$ و $r=-0.210$).

فرضیه ۷: میان اهلیت والدین و چگونگی کیفیت اقتدار در خانواده رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از همبستگی استفاده میشود:

جدول ۱۲: آزمون همبستگی فرضیه هفتم

چگونگی کیفیت اقتدار در خانواده	آزمون همبستگی	
-۰.۲۰۳	ضریب همبستگی پیرسون	اهلیت والدین
۰.۰۴۴	معناداری	
۹۹	تعداد	

با توجه به جدول فوق فرضیه آزمون رد نمی شود بین اهلیت والدین و چگونگی کیفیت اقتدار در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد ($r = -0.220$ و $p = 0.028 < 0.05$).

فرضیه ۸: میان سطح تحصیلات والدین و چگونگی کیفیت روش های پرورشی والدین در خانواده رابطه وجود دارد.

جدول ۱۳: آزمون همبستگی فرضیه هشتم

چگونگی کیفیت روش های پرورشی والدین در خانواده	آزمون همبستگی	
-۰.۲۱۸	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح تحصیلات والدین
۰.۰۲۹	معناداری	
۱۰۰	تعداد	

با توجه به جدول فوق فرضیه آزمون رد نمی شود بین سطح تحصیلات والدین و چگونگی کیفیت روش های پرورشی والدین در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد ($r = -0.218$ و $p = 0.029 < 0.05$).

فرضیه ۹: بین توجه والدین به تفاوت های فردی و تربیت صحیح آنها رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از همبستگی استفاده میشود:

جدول ۱۴: آزمون همبستگی فرضیه نهم

تربیت صحیح نوجوانان	آزمون همبستگی	
-۰.۲۱۱	ضریب همبستگی اسپیرمن	توجه والدین به تفاوت های فردی
۰.۰۳۵	معناداری	
۱۰۰	تعداد	

با توجه به جدول فوق فرضیه آزمون قبول میشود بین توجه والدین به تفاوت های فردی و تربیت صحیح نوجوانان ارتباط معنادار وجود دارد ($r = -0.211$ و $p = 0.035 < 0.05$).

نتیجه گیری:

«فرزندان ذخایر گرانبه های روی زمین هستند با شناخت و کشف استعداد های آنان دیگر نیازی به معدن و ذخایر زیرزمینی نخواهیم داشت» (حقانی، ۱۳۷۷: ۱۲۶).

دوره نوجوانی از نظر تربیتی دوره ی نسبتاً دشوار زندگی است. بخصوص که با بحران بلوغ جنسی و تحول عواطف و احساسات آتشین همراه است که هر کدام به تنهایی می تواند در تربیت و بهداشت روانی نوجوان تأثیر منفی به جای گذارد. این تأثیرات

افکاراوارادگرگون سازد، او را از واقعیات زندگی و شناخت خویشتن دور ساخته و چنان در سردرگمی فرو برد که دچار انحراف ویکی از صدها بیماری روانی گردد. باید توجه داشت، تنها عوامل درونی نیستند که بهداشت روانی جوانان را برهم می زند بلکه مسائل خطرناک برونی نیز وجود دارد که به کمک دگرگونی های این دوره می شتابد و آنان را در بحران عمیق تری فرومی برد این عوامل می تواند خانوادگی، محیطی، بهداشتی، عاطفی و... باشد. لیکن باید اذعان داشت با وجود پیشرفتهای بسیاری که در زمینه تکنولوژی صورت گرفته تانسان بتواند با جهان ارتباط داشته باشد در رفاه بیشتری قرار گیرد ولی بعضی از این پیشرفتها متأسفانه مشکلات روحی و روانی رانسبت به گذشته دوچندان کرده ولی نوجوان و جوان با دوراندیشی و تقویت قوای دینی و اخلاقی خودمی تواند مسائل را ازهم تشخیص دهد و به سوی بهترین ها سوق داده شود.

شیوههایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می گیرند، نقش اساسی در تامین سلامت روانی فرزندان آنها دارد. در سایه ارتباط سالم است که می توان نیازهای فرزندان را شناخت و نسبت به تامین و ارضای آنها همت گماشت. همان گونه که اشاره شد، هر یک از این شیوهها اثراتی بر رفتار کودکان دارند که در این میان اثرات مخرب و منفی شیوههای سهل گیرانه و مستبدانه بیشتر است. بسیاری از خانواده ها باسبک های مختلف فرزندپروری و پیامدهای آنها آشنا نیستند و فرزندان خود را باروشهای ناکارآمد تربیت می کنند و خود و فرزندان آنها با مشکلات عدیده ای مواجه می شوند که در بسیاری از موارد از حل آنها عاجزند (شکوهی یکتاوپرند، ۱۳۸۷).

آنچه اهمیت دارد این است که طبق تحقیقات انجام گرفته، بهترین شیوه فرزند پروری، شیوه مقتدرانه است که والدین در عین گرم و صمیمی بودن با فرزند خود، کنترل کننده و مقتدر هستند. این شیوه به فرزندان کمک می کند تا با هنجارهای اجتماعی بهتر سازگار شوند و همچنین تاثیر کمی بر آزادیهای فردی کودکان دارد. این کودکان با کفایت، واقع گرا، دارای اعتماد به نفس، فعال، خود نظم بخش و مسئول هستند.

درخصوص نقش الگویی خانواده بر پرورش مسئولیت پذیری رشد اجتماعی و رشد عاطفی نوجوانان می توان نتیجه گرفت که والدین با تحصیلات بالاتر تاثیر خود را هنگام ایفای نقش آموزشی و الگویی در اجتماعی کردن فرزندان به جای می گذارند و همچنین نقش الگویی والدین در رشد اجتماعی فرزندان مؤثر شناخته شد و از نظر رشد اجتماعی بین دختر و پسر تفاوت وجود دارد. یکی دیگر از نتایج این تحقیق بیانگر این مطلب است که بین حس مسئولیت پذیری مادران و دختران نوجوان آنها رابط معنادار وجود دارد همانطور که قبلاً نیز اشاره شد بانندورا معتقد است زمانی افراد از یکدیگر الگومی پذیرند که آنها را به عنوان الگو قبول داشته باشند و همچنین با آنها رابطه دوستانه و صمیمی داشته باشند و در کنار آنها احساس امنیت کنند.

پیشنهاداتی برای برقراری روابط عاطفی و صمیمانه میان نوجوانان با والدینشان:

فراهم کردن امکانات رفاهی مناسب برای نوجوانان.

برقراری ارتباط سالم و مناسب بانوجوانان.

توجه بیشتر والدین به دوره کودکی تا در دوره نوجوانی و جوانی و ارتباطی بهتر با والدینشان برقرار کنند.

به وجود آوردن محیطی مناسب همراه با تفاهم و صمیمیت در خانواده برای نوجوانان و جوانان که باعث می شود او احساس کنند محل امن و آسایش او خانواده است.

ایجاد اعتماد به نفس در نوجوانان از طریق بر شمردن توانمندی های آنان.

والدین هیچ گاه نباید توقعات خارج از توان و اندازه نوجوان داشته باشند زیرا باعث می شود احساس ناامنی، ترس و ناراحتی های عصبی کنند.

والدین بانوجوانان به نحوی برخورد کنند که آنان احساس کنند دوست داشتنی و قابل احترام هستند.

والدین باید به تفاوت های فردی نوجوانان توجه نمایند و هر نوجوان را بر اساس استعداد و توانایی اختصاصی که دارند هدایت نمایند.

محتوای آموزشی بایستی روابط مناسب بین نوجوان با والدین را تقویت کند.

امید است برنامه ریزان آموزشی و والدین در جهت اصلاح اساسی در روش ها و کتابه اقدام نموده تا در نتیجه آن روشها نیز متحول گردد و زمینه رفع مسائل آموزشی فراهم شود (حقانی، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

منابع و مأخذ

۱. نهج البلاغه
۲. ابراهام مزلو (۱۳۶۷)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس.
۳. ابوعلی سینا، (۱۳۶۳)، قانون در طب، برگردان: عبدالرحمن شرفکندی، تهران، سروش، چ ۱، ج ۱.
۴. ابوحامد محمد غزالی (۱۳۶۸)، احیاء علوم الدین، برگردان: مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۵. امیر حسینی، خسرو (۱۳۸۲)، روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران: نشرعارف کامل.
۶. اکبری قمصری، (۱۳۷۳)، بررسی عملکرد خانواده بر سازگاری فردی، اجتماعی و تحصیلی فرزندان، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۷. بروس کوئن (۱۳۷۲)، مبانی جامعه شناسی، دکتر غلامعباس توسلی، دکتر رضافاضل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها).
۸. بخشنده بالی (۱۳۸۵)، بررسی مراحل شکل گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان، قم، مرکز پژوهشهای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۹. بهرامی، هادی (۱۳۵۸) روانشناسی نوجوانی، انتشارات دانشگاه ابوریحان بیرونی.
۱۰. پارسا، محمد (۱۳۷۸) روانشناسی رشد کودک و نوجوان، انتشارات بعثت.
۱۱. حقانی، علی اصغر (۱۳۷۷)، روانشناسی رشد نوجوانان، تهران: نشرشورا.
۱۲. خسروی، مهنوش، (۱۳۸۲)، بررسی نقش رابطه ولی - فرزندی و فرایند فردیت یافتن دختران شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
۱۳. خدایاری فرد، محمد، (۱۳۷۲)، مسائل نوجوانان و جوانان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. چیت ساز، محمدجواد، فروزنده جعفرزاده پور (۱۳۸۸)، کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی، به اهتمام گروه پژوهشی مطالعات جوانان، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ج ۲، چ ۱.
۱۵. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، دایرة المعارف علوم اجتماعی، ج ۱ و ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش.
۱۷. سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین (۱۳۷۵)، بوستان، تصحیح: غلام حسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ پنجم.
- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین (۱۳۷۴)، گلستان، تصحیح: غلام حسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ چهارم.
۱۸. سعیدی مقدم، فاطمه، (۱۳۷۴)، بررسی رابطه بین ساخت تربیتی و مذهبی خانواده با ارزشهای اخلاقی نوجوانان تهرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۱۹. سلیمانی، محمود (۱۳۸۴)، خانواده و رفتار با فرزندان، مشهد، شمس، انتشارات اعتماد.
۲۰. سیف، سوسن، (۱۳۶۸)، تئوری رشد خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س).
۲۱. شرفی، محمدرضا، آقازاده، محمد، فضلی خانی، منوچهر (۱۳۸۱) بلوغ و نوجوانی، انتشارات اسلامی، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
۲۲. شایان مهر، علیرضا، (۱۳۸۰)، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
۲۳. شکوهی یکتا، محسنوپرند، اکرم (۱۳۸۷) آموزش روش حل مسئله به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی، فصلنامه خانواده پژوهی.
۲۴. زاهدی، مرتضی (۱۳۸۵)، نظریه تربیتی اسلام، انتشارات مؤسسه فرهنگی صابره
۲۵. ضوابطی، مهدی (۱۳۶۵)، مبانی مشکل شناسی کودکی و نوجوانی، تهران دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۶. فکری، شهناز (۱۳۸۶)، شیوه های تشویق نوجوان و جوان به نماز، قم، انتشارات آصف.

۲۷. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۶)، حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
۲۸. ملکی، حسن، (۱۳۸۳)، تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: نشر عابد.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ ۲۳
۳۰. هاشمی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، فصلنامه مطالعات جوانان، انتشارات سازمان ملی جوانان.

Investigation of the Factors Affecting the Parent-child Relationship in Dehdasht City in 2012

Sadeghian Mahmoud¹, Asghar Mohammadi²

1. *PhD Candidate of Sociology, Islamic Azad University, Dehaghan Branch*

2. *Assistant Professor of the Department of Sociology, Islamic Azad University, Dehaghan Branch*

Abstract

The purpose of this study is to investigate the factors affecting the quality of parent-child relationship in the city of Dehdasht in 2012. This study has been conducted using the field - survey method, with a population consisting of all girl adolescents of Dehdasht City in 2012, who were 4804 adolescents according to the figures obtained from Dehdasht Department of Education. We selected 100 adolescents randomly from among the population as the research sample. The assessment tool used in the research was a questionnaire and the random sampling method was used. Findings show that there is a relationship between age and the level of authority in the relationship between adolescents and parents. There is also a significant relationship between the number of children in the family and the quality of amenities in the relationship between adolescents and parents ($r=-0.253$, and $p = 0.022 < 0.05$). There is also a relationship between the economic situation (parents' level of income and occupation) and the quality of amenities in the relationships between adolescents and parents, because the level of significance is 0.034 and the correlation coefficient is 0.212, which is a positive value. There is a significant relationship between the parents' level of education and their expectations from adolescents ($p = 0.048 < 0.05$ and $r = -0.198$). There is a significant relationship between the parents' level of education and their level of trust in adolescents ($p = 0.044 < 0.05$ and $r = -0.202$). There is a significant relationship between the parents' level of education and the quality of gender discrimination in the family ($p = 0.036 < 0.05$ and $r = -0.210$). There is a significant relationship between parent's competence and quality of authority in the family ($p = 0.028 < 0.05$ and $r = -0.220$). There is a significant relationship between the parents' level of education and the quality of parenting methods employed in the family ($p = 0.029 < 0.05$ and $r = -0.218$). There is also a significant correlation between parents' attention to individual differences and proper education of adolescents ($p = 0.035 < 0.05$ and $r = -0.211$). The results showed that all of the mentioned factors have affected the quality of parent-child relationship in Dehdasht City in 2012.

Keywords: quality of parent-child relationships, education, parents' level of education, quality of authority in the family, quality of gender discrimination, amenities, economic status.
